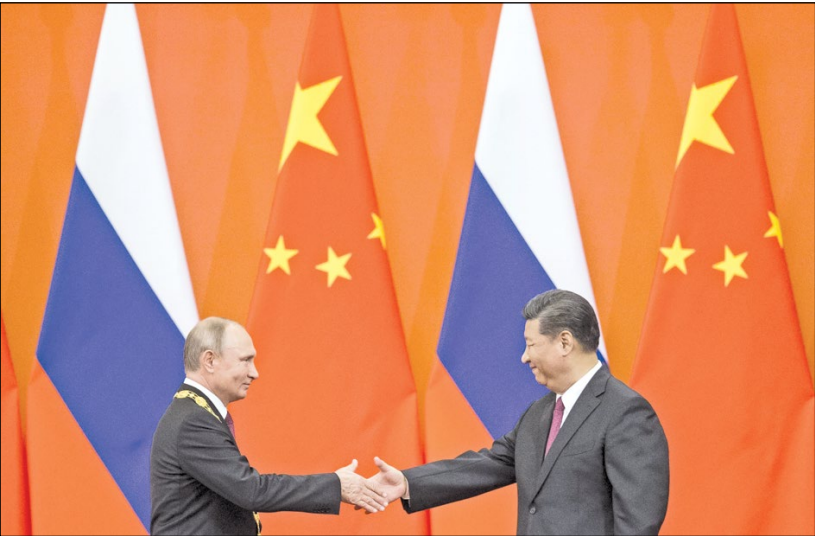


کارشناسان بین‌المللی بر این باورند که، تاکید آمریکا بر اعمال تحریم‌های اقتصادی گسترده علیه کشورهایی همچون ایران و روسیه و... در نهایت به فروپاشی امپراتوری دلار منجر خواهد شد. گرچه در نظام بین‌الملل هیچ ارز رایجی به طور رسمی به عنوان پول جهانی شناخته نمی‌شود اما آمریکا توانست پس از جنگ جهانی دوم یک نظام مالی را در جهان پایه‌گذاری کند که بر محور دلار کار می‌کرد و این مسئله سنگ بنای اقتصاد لیبرال غربی را پایه‌گذاری کرد. در گام نخست بسیار ضروری است که بدانیم چرا دلار به عنوان ارز جهانی مورد مقبولیت قرار گرفت. اصلی‌ترین دلایل پذیرش دلار به عنوان ارز جهانی، ریشه در موارد زیر داشت:

۱- در سال ۱۹۴۴ و پیش از پایان رسمی جنگ جهانی دوم، نمایندگان ۴۴ کشور در کنفرانس «برتون وودز» توافق کردند که دلار آمریکا را به عنوان ارز رابط در نظام مالی جهانی تعیین کنند. در این نظام مالی قرار بود ارز آمریکا با نرخ ثابت ۳۵ دلار به ازای هر اونس طلا قابل تبدیل باشد و سایر ارزها نیز نرخ خود را با دلار تنظیم کنند. در حقیقت این پیمان، پشتوانه حقوقی اصلی برتری دلار بود که دلایل اقتصادی بعدی بر روی آن سوار شد. با این حال، واشنگتن طی این توافق پذیرفت در برابر ۳۵ دلار یک اونس طلا به هر دولتی در جهان بدهد، موضوعی که چند دهه بعد آمریکا آن را نقض کرد.

۲- جنگ جهانی دوم منجر به ویرانی اقتصادی قدرت‌های سنتی جهان از جمله انگلیس، آلمان، فرانسه و حتی اتحاد جماهیر شوروی شد. در نتیجه، آمریکا که از این درگیری‌ها دور بود، موفق به حفظ توان اقتصادی خود شد به طوری که آمارهای مرکز وولسن نشان می‌دهد این کشور پس از پایان جنگ جهانی دوم نزدیک به نیمی از تولیدات صنعتی جهان را در اختیار داشت.



تا نوامبر ۲۰۲۵، بیش از ۹۹ درصد از تجارت روسیه و چین به روبل و یوان تسویه می‌شد و به‌طور کلی، بیش از ۵۵ درصد از تجارت خارجی روسیه به روبل انجام گرفت.

📈

قدرت اقتصادی آمریکا در جهان پس از جنگ جهانی دوم، از جمله لایل پذیرش دلار به عنوان ارز بین‌المللی بود.

۳- دلایل دیگر، تلاش آمریکا برای مقابله با کمونیزم در چارچوب کمک‌های مالی بود. طی طرح مارشال (۱۹۴۸-۱۹۵۲) واشنگتن حدود ۱۳ میلیارد دلار (معادل بیش از ۱۵۰ میلیارد دلار امروز) به ۱۶ کشور اروپایی برای تقویت اقتصادی آنها کمک کرد. گرچه هدف اصلی این وام‌ها تقویت جایگاه دلار نبود، اما این اقدام قدرت‌های اقتصادی سنتی اروپا را بیش از پیش به جریان دلار وابسته ساخت.

۴- گرچه سیستم برتون وودز قدرت دلار آمریکا را بالا برد، اما واشنگتن پس از مدتی دریافت که به میزان دلاری که در جهان وجود دارد طلا در خزانه‌داری خود ندارد. در واقع، مقامات آمریکایی اقدام به چاپ بی‌حد و حصر دلار و خرج کردن آن در بازار جهانی کرده بودند اما نمی‌توانستند معادل آن طلا به کشورهای خارجی بدهند. از این رو، ریچارد نیکسون، رئیس‌جمهور وقت آمریکا تعهد واشنگتن در برابر اعطای یک اونس طلا در برابر ۳۵ دلار آمریکا که پشتوانه سیستم برتون وودز بود را در سال ۱۹۷۱ به طور رسمی لغو کرد. این اقدام باعث شد دلار جایگاه پیشین خود در میان ارزهای بین‌المللی را از دست بدهد. با این حال، واشنگتن در راستای سیاست‌های استعماری خود، حيله دیگری را به کار برد. در سال ۱۹۷۳، آمریکا با عربستان توافق کرد که نفت خام صرفا به دلار تسویه شود و در ازای آن، حمایت نظامی دریافت کند. این توافق، جان تازه‌ای به دلار بخشید و سبب شد حتی پس از فروپاشی سیستم برتون وودز، تقاضا برای دلار همچنان بالا بماند. تصمیم عربستان برای فروش نفت خود به دلار که به پتrodلار شهرت یافت، جایگاه دلار را بار دیگر تقویت کرد. در حقیقت، با این اقدام هر کشوری که به دنبال خرید نفت بود ناگزیر باید از دلار آمریکا استفاده می‌کرد و بدین‌وی به دلار ذخایر ارزی به دلار برای تامین انرژی اهمیت جدی داشت.

برای ایجاد موازنه قوا در برابر بلوک شرق به رهبری اتحاد جماهیر شوروی، یک سازوکار اقتصادی را نیز پایه‌گذاری کرد که بر پایه دلار آمریکا فعالیت می‌کرد. نظام‌های بین‌المللی پرداخت و جابه جایی پول، گردش مالی بانک‌های بین‌المللی، و ذخایر ارزی کشورها در طول جنگ سرد (۱۹۴۵ تا ۱۹۸۹) کاملاً بر محور دلار بود به طوری که در سال ۱۹۷۷ و اوج جنگ سرد، دلار نزدیک به ۸۵ درصد از ذخایر ارزی جهان را تشکیل می‌داد.

دلار در جهان پس از جنگ سرد

با پایان جنگ سرد در سال ۱۹۸۹ و متعاقب آن فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در دسامبر ۱۹۹۱، آمریکا خود را در جهان بدون رقیب بزرگ دید. گرچه روبل شوروی در جنگ سرد یارای رقابت با دلار آمریکا را نداشت، اما واشنگتن در طول جنگ سرد رقابت‌های اقتصادی را نیز در قالب رقابت‌های امنیتی تعریف می‌کرد. در نتیجه، جهان پس از جنگ سرد که به جهان تک قطبی شهرت یافت (۱۹۹۱ تا ۲۰۱۷) آمریکا تمرکز خود را بر توسعه نهادهای اقتصادی، گم‌ترش همکاری‌های تجاری، و نیز ایجاد نهادهای پولی و مالی قرار داد. در این دوره، دلار آمریکا محور اصلی سیستم‌های پرداخت بین‌المللی بود و بخش اعظمی از ذخایر ارزی جهان را دلار تشکیل می‌داد.

دریچه‌ای به جهان

khareji@kayhan.ir



نقش ترامپ و تحریم‌های یکجانبه در فرسایشی هژمونی دلار

گرچه قرار نیست یک‌شبه وابستگی به دلار در مبادلات بین‌المللی کاهش یابد، اما تحریم‌های ایران، روسیه، کوبا، کره شمالی، ونزوئلا و... نیز توانایی آمریکا در اعمال تحریم‌های ثانویه علیه هر کشور و شرکتی، باعث شده کشورها به دنبال تنوع‌بخشی به ذخایر ارزی خود، مبادله با ارزهای محلی و ایجاد سیستم‌های پرداخت بین‌المللی غیروابسته به دلار باشند.

📈

در حقیقت واشنگتن در جهان تک قطبی به طور ی‌رحمانه‌ای به پشتوانه تسلط بر نظام مالی بین‌الملل و دلار به عنوان ذخیره ارزی، اقدام به اعمال تحریم گسترده علیه کشورهای جهان بکند.جان مرشایمر، استراتژیست مشهور آمریکایی در مناظره با مایک پمپئو، وزیر خارجه دولت اول ترامپ در انتقاد از سیاست‌های ظالمانه آمریکا علیه کشورهای دیگر با ارائه آماري اعلام کرد: مجله علمی لانست (The Lancet) طی پژوهشی گسترده دریافت تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه کشورهای دیگر از سال ۱۹۷۱ تا ۲۰۲۱ (یک بازه ۵۰ ساله) به طور مستقیم و غیرمستقیم جان ۳۸ میلیون انسان بی‌گناه را در جهان گرفته است.

تحقیقات سازمان ملل نشان می‌دهد تنها در مورد عراق، تحریم‌های یکجانبه آمریکا در دهه ۱۹۹۰ میلادی به مرگ نزدیک به ۲ میلیون انسان بی‌گناه شامل زنان، کودکان و سالمندان منجر شد. مادلین آلبرایت، وزیر خارجه وقت آمریکا در پاسخ به سؤال خبرنگار سی بی‌اس که پرسید ما شنیده‌ایم نیم میلیون کودک عراقی به دلیل تحریم‌های آمریکا جان خود را از دست داده‌اند، به نظر شما سیاست آمریکا علیه عراق با این چنین تبعاتی، ارزشش را داشت؟ وی در پاسخ گفت: آری، ارزشش را داشت!

سقوط آزاد لابی اسرائیل در افکار عمومی آمریکا

پس از تحمیل جنگ به ایران



دونالد ترامپ در اوج فشار قرار دارند. اکنون برای سیاستمداران آمریکایی روشن شده است که جنگ نامحبوب ایران پاشنه آشیل آنها در انتخابات آتی است. از آنجا که لابی رژیم اسرائیل هیچ مسئله وضع موجود قلمداد می‌شود، بهترین استراتژی فاصله گرفتن از این لابی برای جلب آرای رای دهندگان مستقل است.

فرار از رفتن

زیر بار حمایت لابی اسرائیل

بارزترین نشانه این تحول، ماجرای «مایک راجرز»، نامزد جمهوری‌خواه سنای آمریکا از ایالت میشیگان است. بر اساس گزارش آکسیوس، متحدهان راجرز از آیکب به عنوان یکی از فعال‌ترین لابی‌های رژیم اسرائیل در آمریکا خواسته‌اند که در حمایت از او تبلیغات انتخاباتی انجام ندهند. این درخواست پس از آن مطرح شد که راجرز با «مایکل توچپسن»، رئیس آیکب، در لس‌آنجلس دیدار کرد. گزارش آکسیوس تاکید دارد این تنش نشان می‌دهد جایگاه سیاسی آیکب تا چه اندازه در میان خشم رای‌دهندگان از جنگ غزه و جنگ نامحبوب ایران سقوط کرده است، به‌گونه‌ای که حتی راجرز که یک جمهوری‌خواه سرسخت طرفدار اسرائیل است می‌ترسد حمایت عمومی این لابی تبعات سیاسی جدی برای او باشد. در کنار ماجرای «مایک راجرز»، نمونه‌های متعدد دیگری نیز از فاصله‌گیری نامزدهای

صفحه ۱۲

پنجشنبه ۲۶ شهریور ۱۴۰۵

۵ ربیع‌الثانی ۱۴۴۸ - شماره ۲۴۳۳۷

روسیه در برابر تحریم‌های آمریکا یک استراتژی تهاجمی دلارزدایی را در پیش گرفته است. اکنون سهم دلار در ذخایر ارزی صندوق ملی ثروت روسیه که محل ذخیره‌سازی درآمدهای نفتی این کشور است، به‌طور کامل صفر شده و ترکیب آن به یورو (۴۰ درصد)، یوان (۳۰ درصد) و طلا (۲۰ درصد) تغییر یافته است.

روسیه با راه‌اندازی سیستم جایگزین سوئیفِت (SPFS) و توسعه ارز دیجیتال بانک مرکزی، به دنبال ایجاد زیرساخت‌های مالی مستقل از دلار است تا وابستگی خود به نظام مالی غرب را برای همیشه قطع کند.

📈

بین‌المللی پول و بانک جهانی، در حالی که دلار در سال ۲۰۰۰ بیش از ۷۰ درصد از ذخایر ارزی جهان را تشکیل می‌داد، این روند طی سال‌های پس از حملات یازده سپتامبر ۲۰۰۱ و شروع سیاست‌های تهاجمی واشنگتن روند نزولی به خود گرفته است. در سال ۲۰۰۵، دلار ۶۶٫۵ درصد از ذخایر ارزی جهان را به خود اختصاص داد. در سال ۲۰۱۰ این رقم به ۶۲٫۳ درصد رسید و در نهایت در سال ۲۰۲۰ به ۵۸٫۹ درصد رسیده است. براساس گزارش‌های منتشر شده، سهم دلار از ذخایر ارزی جهان در سال ۲۰۲۵ به زیر ۵۶٫۹ درصد رسیده است. اما راه به خوبی نشان می‌دهد اقتصادهای بزرگ جهان اکنون به دنبال جایگزین کردن ارزهای دیگر به جای دلار هستند زیرا وابستگی بیشتر به دلار به معنای آسیب پذیرتر بودن در برابر سیاست‌های توحش گونه اقتصادی آمریکاست. تاریخ نشان می‌دهد هژمونی دلار هرگز یک پدیده طبیعی و اقتصادی صرف نبود، بلکه محصول شرایط ویژه پساجنگ، توافقات برتون‌وودز، پشتوانه نفتی پتrodلار و نظم امنیتی جنگ سرد بود، اما واشنگتن با تبدیل این نظام مالی بین‌المللی به سلاحی خاموش و اهرمی برای اعمال فشار حداکثری بر مخالفان خود، اکنون در حال ویران کردن اعتبار نهادهای و تاریخی دلار است. تحریم‌های کور و یکجانبه‌ای که از عراق و ایران تا روسیه را درنوردید، نه تنها توانست اهداف راهبردی کاخ سفید را محقق سازد، بلکه بزرگ‌ترین درس را به کشورهای جهان آموخت که اتکای بی‌چون‌وچرا به دلار، معادل گروگان گرفتن امنیت ملی در برابر زیاده‌خواهی‌های یک دولت دزدگنر در واشنگتن است.

اکنون کاهش بی‌سابقه سهم دلار به زیر ۵۷ درصد از ذخایر ارزی جهان، چشم‌شمگیر مبادلات تجاری با ارزهای محلی (از جمله تسویه بیش از ۹۹ درصدی تجارت روسیه و چین به روبل و یوان)، و شکل‌گیری سیستم‌های پرداخت موازی چون SPFS روسیه، همگی نشانه‌های انکارناپذیر از گذار تدریجی اما اجتناب‌ناپذیر به یک نظم مالی چندقطبی است.

در این نظم نوین، دیگر دلار یگانه ارز برتر بین‌المللی نیست و واشنگتن نمی‌تواند از اهرم آن برای تحمیل اراده خود بر ملت‌های مستقل استفاده کند. بی‌تردید تسریع در شتاب تاریخی دلارزدایی از اقتصاد جهان حاصل استراتژی‌های اشتباه آمریکا و استفاده تسلیحاتی از دلار برای آسیب به ملت‌های جهان است.

نگاه کنید، واقعا از آنچه رخ می‌دهد شگفت زده خواهید شد. من هرگز چیزی شبیه به این را ندیده‌ام. این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که نظرسنجی‌ها حاکی از افول چشمگیر حمایت از رژیم صهیونیستی در میان رای‌دهندگان آمریکایی است.

تبعات سیاست‌های نابخردانه

نسل کشی فلسطینیان در غزه و تحمیل جنگی نامحبوب ایران، نقطه عطفی را در تاریخ سیاسی آمریکا رقم زده‌اند. لابی رژیم اسرائیل که روزگاری به عنوان قوی‌ترین لابی واشنگتن، کنگره را در اختیار داشت و هر نامزدی را که جرات مخالفت با رژیم اسرائیل داشت، با انبوهی از پول و تبلیغات منفی از میدان به در می‌کرد، امروز به پاشنه آشیل هر نامزد انتخاباتی تبدیل شده است. نظرسنجی گالوپ در سال ۲۰۲۶ برای نخستین بار نشان داد تعداد آمریکایی‌های همدل با فلسطینیان (۴۱ درصد) از هم‌دلان با رژیم صهیونیستی (۳۶ درصد) پیشی گرفته است. در میان دموکرات‌ها، ۵۸ درصد معتقدند آمریکا بیش از حد از رژیم اسرائیل حمایت می‌کند و ۷۷ درصد از رای‌دهندگان دموکرات معتقدند اسرائیل در غزه در حال ارتکاب نسل‌کشی است. با این حال، آیا این امر به معنای پایان کار لابی رژیم اسرائیل است؟ پاسخ این پرسش را باید از دو جنبه مورد بررسی قرار داد. در سطح افکار عمومی و سیاست داخلی، مسیر نزولی لابی رژیم اسرائیل دیگر قابل بازگشت نیست. نسل جدید رای‌دهندگان آمریکایی به ویژه رای دهندگان زیر ۳۵ سال، خود شاهد نسل‌کشی در غزه بوده و پیوند میان سیاست‌های اشتباه واشنگتن در خاورمیانه و نفوذ لابی صهیونیستی را از نزدیک شاهد بوده‌اند. مرشایمر بر این باور است که رژیم اسرائیل که تا چند دهه پیش در کنترل روایت‌ها و گفتمان عمومی تسلط کامل داشت، اکنون با دسترسی همگانی به اینترنت و ظهور رسانه‌های جمعی، در تحمیل روایت خود عملا شکست خورده است. با این وجود، لابی رژیم اسرائیل هنوز یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاران در انتخابات آمریکاست.

برای مثال، آیکب با نزدیک به ۱۰۰ میلیون دلار بودجه وارد انتخابات ۲۰۲۶ شده است. این پول هنوز هم می‌تواند در بسیاری از حوزه‌های انتخاباتی نتیجه‌ساز باشد. آنچه اکنون تغییر کرده، کارایی این سرمایه است. لابی رژیم اسرائیل که کمترین هزینه بیشتری نتیجه را داشت، امروز با هزینه‌های گزاف، بازه‌های نزولی پیدا کرده است. به عبارت دیگر، لابی اسرائیل هنوز ثروتمند است، اما دیگر مانند گذشته ترسانک نیست. و این مسئله دقیقا همان تحولی است که جان مرشایمر و استفن والت دو دهه پیش در کتاب خود پیش‌بینی کرده بودند: روزی که هزینه‌های گزاف لابی اسرائیل برای آمریکا از منافع آن بیشتر شود، افکار عمومی به مقابله با آن برخواند خاست.

از آنجا که لابی رژیم اسرائیل مقصر اصلی وضع موجود قلمداد می‌شود، بهترین استراتژی فاصله گرفتن از این لابی برای جلب آرای رای‌دهندگان مستقل است.

نسل جدید رأی‌دهندگان آمریکایی، به‌ویژه رأی‌دهندگان زیر ۳۵ سال، خود شاهد نسل‌کشی در غزه بوده و پیوند میان سیاست‌های اشتباه واشنگتن در خاورمیانه و نفوذ لابی صهیونیستی را از نزدیک شاهد بوده‌اند.

📈



به یک نقطه ضعف سیاسی است. نیویورک تایمز این ماجرا را نشانه‌ای از مشکلات عمیق تر لابی رژیم اسرائیل و سازمان آیکب دانست که حتی در میان جمهوری‌خواهانی که به حمایت بی‌چون‌وچرا از اسرائیل شهرت دارند موجب وحشت شده است. پیش از این، دونالد ترامپ خود به تضعیف لابی اسرائیل اذعان کرده بود. ترامپ در مصاحبه‌ای در ماه اوت (مردادماه) درباره تغییرات عمده در عرصه سیاست آمریکا گفت: بزرگ‌ترین تغییری که در یک دهه اخیر مشاهده کرده‌ام، آن چیزی است که برای اسرائیل رخ داده است. اگر به ۲ دهه قبل برگردیم، آن‌ها قوی‌ترین لابی را در واشنگتن در اختیار داشتند. اما اکنون، اگر به مجلس نمایندگان و دموکرات‌های مجلس

انتخاباتی از آیکب و لابی اسرائیل قابل مشاهده است. «یکی کونفورتی»، نامزد جمهوری‌خواه ایالت ایلینوی، به صراحت اعلام کرد که پول آیکب را نمی‌پذیرد و تاکید دارد: «من کسی نیستم که بتوان او را ورخرد». در همان حوزه، نامزد دموکرات «جوزف روزویچ» نیز تاکید کرده که کمک‌های آیکب را نخواهد پذیرفت. «ست مولتون»، نامزد دموکرات سنسنا از ایالت ماساچوست نیز می‌گوید کمک‌های پیشین خود از آیکب را پس می‌دهد و هر گونه حمایت آینده از این لابی را نخواهد پذیرفت. اکنون نه تنها نامزدهای انتخاباتی از بیم خشم رای دهندگان از پذیرش حمایت آیکب از یک مزیت رقابتی